



تمام اهلبیت ما هادیان و هدایتگران جامعه خود بودند و مردم باایمان به ایشان گرایش داشتند و گردشان جمع می‌شدند، اما با توجه به حکومت عصر هر امام، نوع فعالیت ایشان متغیر بوده است.

در زمان امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) حکومت عباسی هنوز قدرت نیافته بود و همین عامل به این بزرگواران، مجال فعالیت‌های علمی و تبلیغی می‌داد، اما در زمان امام هفتم، ما شیعیان، امام موسی بن جعفر (علیهما السلام)، حکومت عباسی بر جامعه مسلط شده بود و بسیار بر امام سخت می‌گرفت و اجازه نمی‌داد امام با مردم ارتباط بگیرند و برای آن‌ها سخنرانی کنند.

با این حال حتی افرادی که در زندان با امام مرتبط بودند، تحت تأثیر عبادت حضرت قرار می گرفتند و شیعیان اندکی که با امام ارتباط داشتند، جمالت ایشان را منتقل می کردند و امام هیچ کار حتی در این فشار دست از رسالت دینی امام موسی صدر در کتاب «مسیره الامام السید موسی الصدر»، درباره اوضاع زندگی امام کاظم^(ع) می نویسد: «چرا امام را منتقل می کردند؟ زیرا رفتار امام در زندان و عبادت و نماز و دعا و همچنین دعاهایی که در زندان می خواند، بر اطرافیان و شیعیان آنان را تغییر می داد و پس از مدت کوتاهی، جلادان و خادم و شاگرد امام می شدند و از سخنان امام تأثیر می گرفتند»، «هاند، برادران! ما هیچ عذری برای ترک واجباتمان نداریم. از فقر موسی بن جعفر^(ع) می خواهیم؟ ظلم و ستمی بیش از این گرفته است، می خواهیم؟ امام با وجود همه این سختی های برای این و بالا بردن نام «الله» تلاش می کرد و در هر شرایطی حق را تحمیل می کردیم مردم به ما پشت کردند و از دین رخص اینک احساس کردیم مردم به ما پشت کردند و دین تحمیل می نمودیم، چون شما فلائی زنجیده و داکور شود کند یا ما را آزاد دهد، و متهم کند یا...، بگذارید چنین باشد. از تحقیر می کنند، به خاطر آن است که شما برحق هستید و این د. مخلوق کیست؟ چه کسی است؟ آیا زری دهنده شماست؟ می شماست؟ هرگز! به مجرد اینکه دیدیم مردم روگردانند، کت می ایستیم. چرا می ایستیم؟ چون جریان مردم و شدید و آن ها چیزی بگویند و شما نیز چیزی بگویید، چه می شود؟ اگر شما بود درست رفتار کنید، چه می شود؟ می گویند تو غیب مانده ای؟ نند؟ بگذارید هر چه می خواهند، این برای انسان

ی که شاید کمتر از زندگی امام کاظم^(ع) گرفته باشیم، همین حق، گفتن حق ولو اینکه شرایط برای تو سخت بشود و اینکه ی که عزت و ذلت در دست خداست.

همان شرایط هم محل مراجعه شیعیان بودند و الان می بینید قرن‌ها، همچنان آرامگاه ایشان با شکوه و جلال، محل زیارت نب‌ه حضرتش است. آقایی که در روایت زیبایی می‌فرماید: «سَاءَ مَضًّا لَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ لِلْإِحْسَانِ مَوْقٌ»؛ شخصی که مزه چشیده است، نیکی و احسان در نزد او جایگاهی ندارد.» (۳۳۳).

یکی از دلایل این قدرت و استقامت را ایمان حقیقی به خداوند و بیان می‌فرمایند و می‌گویند: «مَنْ أَرَادَ أَنْ يَكُنْ أَقْوَى النَّاسِ» هر که می‌خواهد قوی‌ترین مردم باشد، بر خدا توکل کند. (ص ۱۴۳).

همه ما کمک کند که بتوانیم استقامت در مسیر درست و انجام این امام بزرگوار بیاموزیم و از پیروان حقیقی ایشان باشیم.

حکم آسیب زدن به بدن

به پرسش‌های شما درباره حکم مسائل مختلف از نظر
 خواهیم داد. شما مخاطبان گرامی می‌توانید پرسش‌های
 ه پیامک ۰۷۲۸۹۳۰۰۰ با مادر میان بگذارید.

- سلام به گونه‌ای است که برای روح و جسم انسان، ارزش
مائل است و انسان را از هرگونه وارد کردن آسیب به جسم
نهی می‌کند و برحذر می‌دارد. در این نوشتار به چند آیه
شاره می‌کنیم:

مکت و نابودی
 اِنَّمَا اِلَى اللّٰهِ هَلَاكُكُمْ جَمِيعًا ۖ فَاغْلِبْهُ بَشَرٌ حَقِيقٌ بِمَا عَسَفْتُمْ
 (۱۹۵).

درباره ترک انفاق برای جهاد اسلامی وارد شده است، مفهوم
های دارد که مصداق‌های زیادی را شامل می‌شود. در تمام
انسان نباید بدون دلیل، جان خود را به خطر اندازد.

ن اعضای بدن
 ۛ لَکَ بِهِ عِلْمٌ اِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ کُلُّ اُولَئِکَ کَانَ عَنْهُ
 به آن آگاهی نداری، پیروی مکن؛ زیرا گوش و چشم و دل،
 ستند». (سوره اسراء، آیه ۳۶).

بودن چشم و گوش و قلب و به‌طور کلی تمام اعضا و جوارح را
شان بیان می‌کند. این گونه است که حتی مغزی که به آسیب
دیگر اعضا، فرمان می‌دهد و نیز اعضایی که در این آسیب
مغز را اجرا کرده‌اند، همه باید پاسخ‌گو باشند.

نیز در این زمینه می‌فرمایند: «در روز قیامت از چهار چیز عمر خود را در چه راهی مصرف کردی؟ بدن خود را برای دی و...».

بل چگونه فرسوده کردن بدنش پرسش شود، طبیعی است رساندن به آن نیز مؤاخذه خواهد شد.

نعمت بدن در قیامت
يُنْذِرُ عَنِ النَّعِيمِ، سپس در آن روز (همه شما) از نعمت‌هایی که
سپس خواهید شد.»

که خداوند در روز قیامت از آن سؤال می کند، این است که
 امارات را در چه راهی مصرف کرده ای. طبیعتاً هر کدام از اجزای
 امت های خداوند است و انسان برای چگونگی نگهداری از
 پاسخ گو باشد و اگر بیهوده و بدون دلیل، آسیبی به بدن
 نوعی کفران نعمت به شمار خواهد آمد.

صحت و سلامتی بدن در روایات به‌عنوان یکی از مصادیق بیان شده است. باتوجه‌به آنچه بیان شد، از مجموع آیات و روایات می‌توان دریافت که حفظ سلامت بدن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این راستا، یکی از نعمت‌های الهی که انسان باید برای حفظ آن از آسیب و خطر کوشا باشد، سلامت جسمانی است. در این زمینه، روایات متعددی از ائمه اطهار (علیهم‌السلام) و سایر بزرگان دین، بر اهمیت مراقبت از بدن تأکید کرده‌اند. از جمله این روایات می‌توان به حدیثی از امام علی (علیه‌السلام) اشاره کرد که می‌فرماید: «بِرَأْسِ الْإِنْسَانِ أَرْبَعٌ مِنْهُ نَفْسٌ وَنَجْوَى وَنَسْوَى وَنَفْسٌ» (چهار چیز در سر انسان است: نفس، نجوا، نسیوا و نسیوا). این حدیث نشان‌دهنده اهمیت سلامت جسمانی و روانی انسان است. همچنین، در روایات دیگر، بر اهمیت تغذیه سالم، ورزش و استراحت تأکید شده است. این موارد، همگی از راه‌های مهم برای حفظ سلامت بدن و جلوگیری از آسیب‌ها هستند. در نهایت، می‌توان گفت که سلامت جسمانی، یکی از پایه‌های اساسی برای رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی است. بنابراین، مراقبت از بدن و جلوگیری از آسیب‌ها، از وظایف مهم هر فرد مسلمان است.

مت بدن در قیامت

يُذِ عَنْ النَّعِيمِ؛ سپس در آن روز (همه شما) از نعمت‌هایی که
 می‌خواهید شد.»

که خداوند در روز قیامت از آن سؤال می کند، این است که
 امارات را در چه راهی مصرف کرده ای. طبیعتاً هر کدام از اجزای
 امت های خداوند است و انسان برای چگونگی نگهداری از
 پاسخ گو باشد و اگر بیهوده و بدون دلیل، آسیبی به بدن
 نوعی کفران نعمت به شمار خواهد آمد.

صحت و سلامتی بدن در روایات به‌عنوان یکی از مصادیق بیان شده است. باتوجه‌به آنچه بیان شد، از مجموع آیات و روایات می‌توان دریافت که حفظ سلامت بدن از نعمت‌های الهی است که انسان باید برای حفظ آن از آسیب و خطر کوشا باشد. در روایات متعددی تأکید شده که کوچک‌ترین آسیب به آن را ندارد، جز در راه خدا و جهاد.

مروری بر زندگی پربرکت هفتمین امام شیعیان

امام موسیٰ کاظم (ؑ) باب حاجات عالم

آمنه مستقیم^۱؛ اگرچه ما شیعیان ایران وادام همه ائمه^۲ هستیم، درباره حضرت موسی بن جعفر^۳ این دین و وام بیشتر است؛ زیرا حضور فرزندان آن امام در ایران، پرچم هدایتی را برافراشت که هنوز هم ما از آن بهره‌مندیم و برکاتش مستمر است. به مناسبت فرار سیدین سالروز ولادت آن حضرت و در گفت‌وگو با حجت‌الاسلام‌والمسلمین ابراهیم بهاری، کارشناس مذهبی، به ابجدی از حیات پربرکت هفتمین اختر تابان آسمان امامت پرداختیم که در ادامه می‌خوانید.

چرايي شهرت امام به «باب الحوائج»

حضرت موسی بن جعفر^(ع) نخستین امام از ائمه شیعه هستند که با اجبار و اکراه از مدینه خارج شدند و پس از سال‌ها حضور در زندان بغداد، غربیانه و مظلومانه به شهادت رسیدند اما در این اعیان غربت و مشقت، مردم هرگز از نگاه باکرامت امیر امان، غیبت و زمان حیات و چه در زمان ممات، دست خالی بازنگشته‌اند. اگرچه همه ائمه^(ع) باب‌الحوایج هستند و شیعیان و مجانب خود را دست‌خالی بی‌ی‌بهره باز نمی‌گردانند. حضرت موسی بن جعفر^(ع) در زندان و غربت هم گره‌گشای مردم بودند و همین باعث شهرت آن امام بزرگوار به «باب‌الحوایج» شده است.

حجت الاسلام والمسلمین بهاری :

حضرت موسی بن جعفر^(ع) به دلیل شدت بوری و کظم غیظ به «کاظم» مشهور شدند. ایشان علاوه بر صبر به حلم نیز آراسته بودند؛ حلم مقامی بالاتر از صبر است که در موسی بن جعفر^(ع) بروز و ظهور داشت. یابی که حتی با دشمنان صبور می کردند



امامت امت در خفقان و زندان

حضرت موسی بن جعفر^(ع) زمانی امامت
بیه را برعهده گرفتند که سازمان امامت
بسیه درحال شکل گیری بود. گزاردان مکتب
بنادقین به همه نقاط جهان اسلام روانه شده و
تباطات مستحکمی با امت اسلام برقرار کرده
دند. تاجایی که این شبکه گسترده سبب ترس
مومنینی امام عباس شد. آغاز امامت حضرت
خلافت منصور دوانیقی مقارن بود، کسی که
رصد ازبین بردن خاندان رستاد بود و دستور
داد تا جیش امام صادق^(ع) را به قتل رسانند. اما
عباس جیش مکتب که در وصیت نامه خود، خلیفه،
مسرو و یکی از فرزندان اشان را که معلول بود نیز
خاندانشان خویش معرفی کرده بودند، این
طشه ختنی شد.

و روان امامت هفتمین امام شیعیان همچنين با جاذبه اقتدار عباسيان يعنى دوران هارون الرشيد فراخ بود، خلفاى عباسى از ترس تأثير و نفوذ قدرت در جامعه هارون ايشان را دستگير و زندانى کردند. از زندانى به زندانى ديگر گريز نداشت. ده تا هفده سال دربراه هفت زندان ايشان حراست شده است) اما در همدين شرايط سخت و خفقان، حضرت موسى بن جعفر^(ع) با اهربرد تپتاب با شاعران پدرشان، امام صادق^(ع)، جامعه هدايت مى کردند، چنان که وقتى دو تن از شاعران به ايشان نامه نوشتند و بيان کردند که دستگاز خلافت از آن ها درخواست همکارى مى کند، به يکى از آنها (ابهلول) نوشتند که خود را بچگون بزنند، وى نيز چنين کرد و حقايق را در ابجد ديوانگى به گوش مردم مى رساند. به شاعران ديگر (على بن يقطين) نيز از حضور در دستگاز و ملاقات راداند و او در پير هارون الرشيد شد. دستانى بزرگ به شيعيان در اين سمت ارائه کرد. على بن مسيب همدانى با اشاره به برخورد مواجهه خود با امام کاظم^(ع) در زندان مى گويد: عبادات و روح بلند و عرفان حضرت موسى بن جعفر^(ع) اما مرا متحير کرد. بود. تا جايى که بسط برکات آن چو مقدس مرا در زندان بغداد تنى از حال خانواده خويش در مدينه مطلع مى شد. وى تعريف منى کند: زمانى امام^(ع) عاى را خوانند و پيامبر (ص) را باز کردم، نوبى را در حرد مطهر پيتر^(ع) ديديد و امام^(ع) موموند، برو و به خانواده خود سر بزن^(ع)، قبل از زنگشت به زندان نيز در جمعى وارد شديم که همه از شاعران امام بودند و در چشم هدايت را به شاعره شيعى بالا نگاه مى داشتند. لذا ناپر چه از تاريخ حيات و امامت امام کاظم^(ع) بر جاى مانده است. ايشان در آن دوران بسيار حساس و مهم و على رغم همه فشارها و خفقانى که وجود داشت، به بلند همتى و مجاهده توانستند جامعه شيعى را از مصون بدارند و هدايت کنند.

**جذب قلبها
با صبر و حلم**

قرآن همه مردم را به کلم غیظ و تحمل سختی‌ها و صوری شوق و عوت می‌کند. سیره ائمه^(ع) نیز به‌عنوان نسخه عملی قرآن، مملو از ویژگی‌ای است؛ چنان که حضرت موسی بن جعفر^(ع) به دلیل شدت صوری و کلم غیظ به «کاطم» مشهور شدند. ایشان علاوه بر صبر به حلم نیز آراسته بودند، حلم مقامی بالاتر از صبر است که در موسی بن جعفر^(ع) بروز و ظهور داشت. تاجایی که حتی با دشمنان صوری می‌کردند. نقل اوست شخصی از تبار خلیفه دوم در مدینه به علی بن ابی‌طالب^(ع) سخت کینه داشت و به حضرت اساز می‌گفت و این موضوع، امام کاطم^(ع) را آزرده خاطر می‌کرد، اما وقتی یاران از ایشان اذن کشتن و ی را خواستند، امام آن‌ها را برحذر داشتند. روزی آن فرد مشغول کشاورزی بود، حضرت با مرکب به خود به سمت او رفتند و از مرکب پیاده شدند و با لحنی مناسب با او سخن گفتند و پرسیدند: چقدر به برداشت محصور خود امیدواری؟ وی پاسخ داد: دوست‌نیدار. حضرت به او دست‌های پراخند و همین مهربانی و بزرگواری، وی را از محبان امام کاطم^(ع) کرد. تاجایی که در مسجد با صدای بلند می‌گفت: خدا داناست که رسالتش را در کجا قرار دهد. این سیره موسوی نشان می‌دهد با محبت و مهربانی می‌توان دل‌های سخت را نرم و جذب کرد.

مدافع حرم

همه اهلیت^(۴) وظیفه اصلی خود را حفظ و صیانت از مسیر ولایت می‌دانستند و بر این مبنا اقدام و رفتار می‌کردند و بنابر مقتضیات زمانه در این مسیر پیش می‌رفتند؛ چنان که حضرت موسی بن جعفر^(۵) می‌فرمودند: ولایت علی بن ابی‌طالب^(۶) به من ارزش داده است، نه ولادت به‌عنوان فرزندی از فرزندان ایشان. ایشان به طرق مختلف سعی در تبیین ولایت و امامت و هدایت امت از این مسیر داشتند. به تعبیر علامه طهرانی^(۷)، امام کاظم^(۸) مرگ جاهلی را از جامعه شیعی دور و مردم را به معرفت و شناخت ولایت علی بن ابی‌طالب^(۹) دعوت کردند. ایشان فرمودند: هر کس بمیرد و امام زنده‌ای نداشته باشد که او را بشناسد، به مرگ جاهلی مرده است. حضرت در تبیین اهمیت امامت و ولایت به منبر می‌رفتند و مردم را آگاه و تأکید می‌کردند: هیچ درد و عیبی بالاتر از جاهالت، آن هم به امامت و ولایت نیست.

فرزندان موسی بن جعفر (ع)

برای امام کاظم^(ع) در تاریخ ۱۷ فروردین نقل شده است. اکثر آن‌ها اهل زهد و تقوا بودند و به گسترش شیعه کمک می کردند. با ورود علی بن موسی الرضا^(ع) به ایران، اکثر فرزندان امام کاظم^(ع) به این سرزمین آمدند و ایران بزرگ آن زمان که گسترده‌گی فراوان داشت، ساکن شدند. برخی از آن‌ها در مسیر پیوستن به امام رضا^(ع) در خراسان به شهادت رسیدند. همچون حضرت احمد بن موسی^(ع)؛ و برخی همچون حضرت معصومه^(س) بر اثر بیماری درگذشتند. پس از فرزندان، نوادگان امام کاظم^(ع) نیز در ایران حضور یافتند و هر یک سبب شیعه و برکات و تقید مردم به اصول مذهبی شدند و نشانی مهم در گسترش تشیع و دلدادگی مردم به اهل بیت^(ع) هم در ایران بهیچ در عراق و هم در افغانستان امروز و حتی نقاط آسیای مرکزی و قفقاز و... ایفا کردند.